

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و به نستعين إِنَّهُ هُوَ خَيْرُ مَوْقِفٍ وَ مَعِينٍ

ثُمَّ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلَى أَشْرَفِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ حَبِيبِ إِلَهِ الْعَالَمِينَ

أَبِي الْقَاسِمِ مُصْطَفَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الْأَطْيَبِينَ

سَيِّمًا بِقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ

اليوم الثاني، ۹۳/۱۲/۲۸ ← من ابتداء "مقدمه" (ص ۳۰۴) إلى ابتداء "التقسيم الثالث" (ص ۳۰۶)

با عرض سلام خدمت دوستان عزیز جویای عرصه علم و پویای میدان عمل. آن چه در این نوشتار می آید، نکات و سؤالاتی است که در متن محدوده ای که امروز باید مطالعه شود، وجود دارد. ابتدا یک بار متن محدوده را از کتاب به دقت مطالعه کنید، سپس این نوشتار را به دقت خوانده، نکاتش را همانند نکاتی که در کلاس گفته می شود، فراگرفته؛ و جواب سؤالات طرح شده را یافته و در گزارش امروز برای بنده ارسال نمایید. مشتاقانه منتظر مشاهده نتایج فعالیت علمی شما در پایان امروز هستیم:

مقدمه، ص ۳۰۴:

- نکته ۱: در عبارت "المعرفة اسمٌ يدلُّ على مُعَيَّنٍ معلومٍ"، "مُعَيَّنٍ" یک صفتِ جانشینِ موصوف است؛ یعنی در اصل چنین بوده است: "يدلُّ شيءٌ مُعَيَّنٍ".

مقدمه، ص ۳۰۵:

- سؤال ۱: در عبارت "التَّكْرَهُ علامتها أن تقبل "أل" التعريفِ"، جملات صغری و کبری و ارکان هر کدام را مشخص کنید.

- سؤال ۲: بگویید در دو آیه شریفه زیر، کلمه "ذو" معرفه است یا نکره؟

○ ﴿ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدِ﴾

○ ﴿إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَ ذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ﴾

الفصل ۱. العَلَمُ، ص ۳۰۵:

- نکته ۲: دقت کنید که تفاوت اصلی بین تعریف معرفه و عَلم (که دومی قسمی از اولی است) این است که اولی "يدلُّ على شيءٍ مُعَيَّنٍ" و دومی "وَضِعَ لشيءٍ مُعَيَّنٍ".

- نکته ۳: در تقسیم اولِ عَلم به مفرد و مرکب، می بینیم که مرکب خود انواعی دارد و این بر اساس این است که بین اجزای آن عَلم مرکب، قبل از عَلم شدن، چه ارتباطی وجود داشته است:

- اگر ارتباط اضافی بوده (یعنی مضاف و مضافٌ إليه بوده)، به آن عَلمِ مرکب اضافی می‌گوییم؛ مانند "عبد الله" که قبل از عَلمِ شدن به معنی "بنده خدا" بوده و اسم شخصی قرار داده شده است.
- اگر ارتباط اسنادی بوده (یعنی یک جمله کامل بوده)، به آن عَلمِ مرکب اسنادی می‌گوییم؛ مانند "تَأَيَّبَ شَرًّا" که قبل از عَلمِ شدن به معنی "شر را زیر بغلش زد" بوده (احتمالاً منظور این است که او آدم خیلی شروری می‌باشد) و لقب شخصی به نام ثابت بن جابر گردیده است.

■ مثال ملموس تر آن "ما شاء الله" است.

■ **سؤال ۳:** این مثال را به همان سبکی که در مثال "تَأَيَّبَ شَرًّا" توضیح دادیم، توضیح دهید.

- اگر نه ارتباط اضافی و نه اسنادی بوده، به آن عَلمِ مرکب مزجی می‌گوییم؛ مانند "سَيِّوِيَه" که قبل از عَلمِ شدن بین دو جزء آن ("سبب" و "وِيَه")، نه ارتباط اضافی و نه اسنادی وجود داشته است.

- **سؤال ۴:** یک اسم، یک لقب و یک کنیه برای یگانه بانوی عالم، حضرت زهراء سلام الله علیها ذکر کنید.

- **سؤال ۵:** چرا کتاب برای لقب، دو مثال ("صَدُوق" و "سَقَّاح") آورده است؟ با رجوع به وسیط، پاسخ دهید.

- **سؤال ۶:** در عبارت "و يُقَصِّدُ بِالْكُنْيَةِ التَّعْظِيمَ"، مقصود و مقصودٌ به را مشخص کنید.

- **سؤال ۷:** عبارت "ذَلِكَ لِأَنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّفْسِ تَأْتِفُ مِنْ أَنْ تُخَاطَبَ بِاسْمِهَا" را به فارسی معنی کنید.

- **نکته ۴:** عبارت "و قَدْ يُكْنَى الشَّخْصُ بَوْلَدِهِ" نشان می‌دهد که در کنایه هایی که کتاب قبل از آن با "أب" و "أُم" آورده (مانند "أبو العلاء"، "أُمّ كلثوم"، "أبو هَب"، "أبو جهل"، "أُمّ المَفسد")، واقعاً نام فرزند شخص،

"علاء"، "كلثوم"، "هَب"، "جهل" و "مفسد" نبوده است؛ همان طور که در برخی از آن ها این مطلب واضح است و کتاب هم خودش در تعریف کنایه گفته است: "مُضَافًا إِلَى كَلِمَةٍ أُخْرَى" و نگفته "مُضَافًا إِلَى اسْمٍ وَوَلَدِهِ".

- **نکته ۵:** شاید مثال خوب "قَدْ يُكْنَى الشَّخْصُ فِي الصَّغَرِ تَفَاؤُلًا"، "أبا صالح" باشد.

ص ۳۰۶:

- **سؤال ۸:** در عبارت "و فِي اجْتِمَاعِ الاسْمِ وَ اللَّقْبِ يُقَدَّمُ الاسْمُ عَلَى اللَّقْبِ":

○ "فِي اجْتِمَاعِ"، متعلق به چیست؟

○ "مُقَدَّمٌ" و "مُقَدَّمٌ عَلَيْهِ" را مشخص کنید.

- **تمرین قرآنی:** دو آیه زیر را با استفاده از وسیط، معنی کنید (تکیه تمرین، بر روی قسمت هایی است که زیر آن ها خط کشیده شده است):

○ سوره مبارکه بروج، آیه شریفه ۱۵: ﴿ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدِ﴾

○ سوره مبارکه طه، آیه شریفه ۵: ﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾

و السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ